

بررسی رابطه تفکر انتقادی و احساس خودکارآمدی در بین دانشجویان پزشکی و پرستاری دانشگاه
علوم پزشکی قزوین: ۱۳۹۹

استاد راهنما: امید خسروی زاده

دانشجویان: آیسا ملکی نادنیلوئی، آیلار هشترودی، پریا وثوقی، شهرزاد کهن

چکیده

زمینه و هدف: تفکر انتقادی توانایی پرسیدن سوالات مناسب و جمع آوری اطلاعات مرتبط است. تفکر انتقادی امکان قضاوت منطقی و یافتن راه حل را برای پزشکان و پرستاران فراهم می کند. این مطالعه برای اولین بار دو گروه عمده از مراقبان را در بالین بیمار از نظر رابطه بین تفکر انتقادی و خودکارآمدی بررسی کرده است.

روش کار: این مطالعه توصیفی- تحلیلی و مقطعی در سال ۱۳۹۰ انجام شد. نمونه پژوهش از دانشجویان پرستاری و پزشکی بود. نمونه گیری با استفاده از روش معادلات ساختاری انجام شد. ابزار گردآوری داده ها شامل: اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه تفکر انتقادی ریکتز و پرسشنامه GSE-17 بود. در نهایت، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS22 در سطح معنی داری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان می دهد که مدل تناسب اندام ایجاد شده در این مرحله برازندگی خوبی را نشان می دهد. در این مدل $\chi^2 = 1919.913$, $df = 893$, $\chi^2 / df = 2.149$, $RMSEA = 0.059$, $NFI = 0.633$, $GFI = 0.777$, $CFI = 0.761$. ضرایب برآورد استاندارد مدل معادلات ساختاری نشان می دهد که تمامی مسیرهای موجود در سطح معنی داری قرار دارند. در نهایت، تحلیل رگرسیون اثر معکوس تفکر انتقادی را بر خودکارآمدی نشان داد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که تفکر انتقادی بر خودکارآمدی تأثیر مستقیم دارد، به علاوه، این دو ویژگی تأثیر معناداری بر افزایش کارایی و تصمیم گیری صحیح بالینی گروه های پزشکی و پرستاری دارند. بنابراین، ارتقاء این مهارت ها با به روز رسانی برنامه درسی، در نهایت نتایج مراقبت های بهداشتی ارائه شده توسط این دو گروه خاص را بهبود می بخشد.

کلیدواژه: تفکر انتقادی، خودکارآمدی، تحلیل مسیر